

بخزوه لغات و کرامر

Prospect 3

کانال پایه نهم | @NOHOMIYY

تهیه شده توسط:

اسماعیل محمدی

کانال تلگرامی نهم | @NOHOMIYY

شخصیت

always	همیشه	kind	مهربان
angry	عصبانی	lazy	تنبل
best	بهترین	member	عضو
big	بزرگ	neat	مرتب
brave	شجاع	nervous	مضطرب
careful	بادقت	patient	صبور
careless	بی دقت	person	شخص
clever	باهوش	personality	شخصیت
cruel	بی رحم	pleasant	دلپذیر
environment	محیط	polite	مودب
everybody	هرکس	quiet	ساکت
forget	فراموش کردن	relative	خویشاوند
friendly	صمیمی	rude	بی ادب
funny	بامزه	selfish	خودخواه
generous	بخشنده	serious	جدی
happy	خوشحال	soldier	سرباز
hard-working	سخت کوش	shy	خجالتی
helpful	مفید	talkative	پرحرف
homework	تکلیف	upset	ناراحت
kid	بچه	usually	معمولا

عبارات PHOTO DICTIONARY

a brave soldier

a careless man

a cruel boy

a funny story

a generous girl

a hard-working worker

a lazy person

an angry kid

a neat person

a nervous boy

a pleasant environment

a quiet place

a rude kid

a selfish person

a shy girl

کانال تلگرامی نهم | @NOHOMIYY

Lesson 1

افعال to be

Grammar

فعل to be شامل (am - is - are) می باشد که به معنای بودن است. به جدول زیر دقت کنید:

جملات خبری			
ادامه جمله	فعل to be	فاعل	
...	am	I	من
...	is	He She It	او آن
...	are	We You They	ما شما آنها

شکل مخفف

شکل مخفف جملات خبری	
ادامه جمله	فاعل و فعل to be
...	I'm
...	He's She's It's
...	We're You're They're

❖ نکته ۱: برای مخفف کردن جملات خبری کافیسیت اولین حرف فعل to be را حذف کنیم و به جای آن آپاستروف (') بگذاریم.

Example: They are happy. → They're happy.

Exercise: I am happy. =

He is happy. =

جملات سؤالی		
ادامه جمله	فاعل	فعل to be
... ?	I	Am
... ?	he she it	Is
... ?	we you they	Are

پاسخها

پاسخ جملات سؤالی	
Yes, I am.	No, I'm not.
Yes, he is. Yes, she is. Yes, it is.	No, he isn't. No, she isn't. No, it isn't.
Yes, we are. Yes, you are. Yes, they are.	No, we aren't. No, you aren't. No, they aren't.

❖ نکته ۲: برای سوالی کردن یک جمله، فقط کافیسیت فعل to be را به اول جمله بیاوریم.

Example: They are happy. → Are they happy?

Exercise: I am happy. :

He is happy. :

❖ نکته ۳: برای منفی کردن یک جمله، فقط کافیسیت بعد از فعل to be، قید منفی not را اضافه کنیم.

Example: They are happy. → They are not happy.

Exercise: I am happy. :

He is happy. :

دقت داشته باشید که عبارت ... there is به معنای (هست، وجود دارد) برای اسمهای مفرد و

عبارت ... there are به معنای (هستند، وجود دارند) برای اسمهای جمع در اول جمله می آیند.

There is a book in my bag.

یک کتاب در کیف من هست.

There are two boys in the classroom.

دو پسر در کلاس هستند.

مسافرت

airport	فرودگاه	need	نیاز داشتن
around	دور	novel	رمان
board	سوار شدن	pack	بستن
book	رزرو کردن	passport	پاسپورت
buy	خریدن	plane	هواپیما
check in	پذیرش شدن	poem	شعر
check out	تسویه حساب کردن	possible	ممکن
enjoy	لذت بردن	receptionist	مسئول پذیرش
exchange	تبدیل کردن	reservation	رزرو
express train	قطار سریع السیر	story	داستان
fill out	پر کردن	stand	ایستادن
find	پیدا کردن	take off	بلند شدن (هواپیما)
gift shop	فروشگاه هدیه	ticket	بلیط
guidebook	کتاب راهنما	timetable	جدول زمانی
hope	امیدوار بودن	tourist	توریست، گردشگر
key	کلید	travel	سفر کردن
land	فرود آمدن	trip	سفر (کوتاه)
leg	پا، پایه	voyage	سفر دریایی
letter	نامه	wheel	چرخ
map	نقشه	world	جهان

عبارات PHOTO DICTIONARY

baggage reclaim

fill out a form

board the plane

make a voyage

book a hotel

pack for a trip

buy a ticket

pay toll

check in / check out

take an express train

check the passport

take off

check the timetable

talk to the receptionist

exchange money

weigh the baggage

زمان حال استمراری، کاری است که هم‌اکنون در حال انجام شدن است. به جدول زیر دقت کنید:

جملات خبری			
فاعل	فعل to be	ing + فعل اصلی	ادامه جمله
I	am	speaking	English.
He She It	is		
We You They	are		

❖ **توجه:** قید زمانی now می‌تواند

در جمله بیاید و یا اصلاً نیاید.

I am speaking English.

He is playing football **now**.

✓ **نکته املائی:** هنگام اضافه کردن ing به فعل اصلی، دقت کنید اگر آخر فعل، حرف e باشد، باید ابتدا e را حذف

کنیم سپس ing اضافه کنیم. **Example:** make → making write → writing

Exercise: take : close :

❖ **نکته ۱:** برای سوالی کردن یک جمله، کافیسست مانند قبل، فقط فعل to be را به اول جمله بیاوریم.

Example: They are speaking English. → Are they speaking English?

Exercise: I am buying a ticket. : He is playing football. :

✓ **توجه:** برای سوالی کردن با کلمات پرسشی (what, when, where, who, why, how) به ترتیب زیر عمل می‌کنیم: ابتدا کلمه پرسشی را می‌نویسیم، سپس پاسخ مربوط به کلمه پرسشی را حذف می‌کنیم و در آخر، ادامه جمله را به صورت سوالی می‌نویسیم (یعنی فعل to be که همان am, is, are است را به اول جمله می‌آوریم).

Example: He is traveling to Tehran by plane. → Where is he traveling by plane?

Exercise: They are traveling to Tehran by plane. : How ?

❖ **نکته ۲:** برای منفی کردن یک جمله، کافیسست مانند قبل، بعد از فعل to be، فقط قید منفی not را اضافه کنیم.

Example: They are speaking English. → They are not speaking English.

Exercise: I am buying a ticket. : He is playing football. :

مالکیت

• برای نشان دادن مالکیتِ انسان از ('s) به صورت روبرو استفاده می‌کنیم: اسم + 's + اسم (مالک)

Ali's brother - the student's book

توجه: اگر مالک، جمع باشد (یعنی s جمع داشته باشد)، فقط (') اضافه می‌کنیم. The teachers' marker

• برای نشان دادن جزء به کل (مالکیت غیر انسان) به صورت روبرو استفاده می‌کنیم: اسم بزرگتر + of + اسم کوچک‌تر

The leg of the table - The wheels of the car

جشن‌ها و مراسم‌ها

anniversary	سالروز	hold	برگزار کردن
anthem	سرود ملی	holiday	تعطیلات
bake	پختن	international	بین‌المللی
ceremony	مراسم	Islamic	اسلامی
change	تغییر کردن	lunch	ناهار
children	کودکان	make	درست کردن
clean	تمیز کردن	meal	وعده غذایی
clear	تمیز کردن / پاک کردن	military	نظامی
clothes	لباس (ها)	Muslim	مسلمان
color	رنگ کردن	national	ملی
commemorate	بزرگداشت	Nature Day	روز طبیعت
culture	فرهنگ	new year	سال نو
dinner	شام	nut	آجیل
dish	ظرف	paint	رنگ کردن
egg	تخم مرغ	parade	رژه
fast	روزه گرفتن	religious	مذهبی
festival	جشن	revolution	انقلاب
fireworks	آتش بازی	set	چیدن
get	گرفتن	special	مخصوص
go out	بیرون رفتن	wash	شستن
goldfish	ماهی قرمز	watch	تماشا کردن

PHOTO DICTIONARY عبارات

bake a cake

make lunch / dinner

celebrate a religious holiday

Read poems of Hafez

clear the table

set the table

commemorate NE martyrs

sing the national anthem

go out on Nature Day

watch fireworks

hold a ceremony

watch military parade

Islamic revolution anniversary

wear special clothes

Islamic-Iranian culture

Lesson 3

Present simple tense

زمان حال ساده

Grammar

زمان حال ساده، کاری است که به صورت تکرار و عادت انجام می‌شود. به جدول زیر دقت کنید:

جملات خبری		
فاعل	فعل اصلی	ادامه جمله
I We You They	clear	the table.
He She It	clears	

❖ **نکته ۱:** در جمله‌های حال ساده، اگر فاعل، سوم شخص

مفرد یعنی (He, She, It) باشد، به آخر فعل اصلی (s)

یا (es) اضافه می‌کنیم.

Example: I bake a cake. She bakes a cake. He watches fireworks.

Exercise: Zahra the eggs. (color)

✓ **نکته املایی:** اگر فاعل سوم شخص مفرد باشد و آخر

فعل اصلی یکی از حروف (s, z, o, x, sh, ch) باشد، به

آخر فعل اصلی (es) اضافه می‌کنیم؛ در غیر اینصورت

watch → watches

fix:

clean:

(s) اضافه می‌کنیم.

✓ **نکته املایی ۲:** اگر آخر فعل اصلی، حرف y باشد و قبل از آن حروف صدادار (a, e, i, o, u) نباشد، حرف y را حذف

study → studies

می‌کنیم و بجای آن ie می‌نویسیم و سپس (s) اضافه می‌کنیم.

enjoy:

try:

stay:

bury:

❖ **نکته ۲:** برای سوالی کردن جمله حال ساده، دو حالت وجود دارد:

(۱) اگر فاعل غیر سوم شخص مفرد باشد (I, You, We, They)، فقط به اول جمله Do اضافه می‌کنیم.

(۲) اگر فاعل سوم شخص مفرد باشد (He, She, It)، به اول جمله Does اضافه کرده و (s) یا (es) آخر فعل را حذف

Example: She speaks English. → Does she speak English? می‌کنیم.

Exercise: I watch fireworks. : Ali watches firework. :

✓ **توجه:** برای سوال‌ها دو نوع پاسخ وجود دارد: پاسخ کوتاه و پاسخ کامل.

Example: Do they play football? "Yes, they do." "Yes, they play football."
پاسخ کوتاه پاسخ کامل

Exercise: Does he play football? "No, " "No, "

❖ **نکته ۳:** برای منفی کردن جمله حال ساده نیز مانند سوالی کردن، دو حالت وجود دارد:

(۱) اگر فاعل غیر سوم شخص مفرد باشد، فقط قبل از فعل اصلی do not = don't اضافه می‌کنیم.

(۲) اگر فاعل سوم شخص مفرد باشد، قبل از فعل اصلی does not = doesn't اضافه کرده و (s) یا (es) آخر فعل

را حذف می‌کنیم. Example: They speak English. → They don't speak English.

Exercise: I watch fireworks. : He watches fireworks. :

صفات‌های ملکی: برای نشان دادن مالکیت از صفات ملکی استفاده می‌کنیم که بعد از آن‌ها حتما یک اسم می‌آید.

ضمیر فاعلی	I	You	he	she	it	we	they
صفت ملکی	my	your	his	her	its	our	their

Example: "I wash my car." "They visit their relatives." "Mina is my friend. Her sister is a nurse."

خدمات

account	حساب	information	اطلاعات
ATM	دستگاه خودپرداز	keep	نگه داشتن
bring	آوردن	late	دیر
blood	خون	learn	یاد گرفتن
charity	خیریه	life	زندگی
cheap	ارزان	lost	گم شده
donate	اهدا کردن	money	پول
easy	آسان	open	باز کردن
emergency	اورژانسی، اضطراری	outside	بیرون
envelope	پاکت نامه	postcard	کارت پستال
ER	اتاق اورژانس	put out	خاموش کردن
E-ticket	بلیط الکترونیکی	recharge	شارژ مجدد
fast	سریع	round the corner	همین نزدیکی
fire	آتش	save	نجات دادن
fire station	ایستگاه آتش نشانی	send	فرستادن
firefighter	آتش نشان	service	خدمت، سرویس
gas station	پمپ بنزین	shift	شیفت، نوبت کاری
get off	پیاده شدن	stamp	تمبر
get on	سوار شدن	take out	برداشت پول
hard	سخت	voluntary	داوطلبانه
hire	کرایه کردن	wake up	بیدار شدن

عبارات PHOTO DICTIONARY

ask the information desk

hire a taxi

bring to the ER

keep the city clean

call the emergency

open an account

do voluntary work

put out fire

donate blood

recharge your E-ticket

get off a bus

send an e-mail

get on a bus

take out money from an ATM

help charity

Lesson 4

Wh-questions

کلمات پرسشی

Grammar

کلمات پرسشی در اول جمله‌های سوالی به کار می‌روند که قسمتی از جمله را مورد سوال قرار می‌دهند و عبارتند از:

What ... ?	چه ... ؟ / چه چیزی ... ؟	Why ... ?	چرا ... ؟
What time ... ?	چه ساعتی ... ؟	Who ... ?	چه کسی ... ؟
What color ... ?	چه رنگی ... ؟	How ... ?	چطور ... ؟
When ... ?	چه موقع ... ؟	How many ... ?	چه تعداد ... ؟
Where ... ?	کجا ... ؟	How often ... ?	هرچند وقت یکبار ... ؟

❖ **نکته ۱:** برای ساختن جمله سوالی با استفاده از کلمات پرسشی، مراحل زیر را به ترتیب انجام می‌دهیم:

- کلمه پرسشی را می‌نویسیم.
- پاسخ مربوط به کلمه پرسشی را حذف می‌کنیم.
- باقی‌مانده جمله را به صورت سوالی می‌نویسیم. (اگر در جمله، فعل to be وجود داشته باشد آن را اول جمله می‌آوریم و اگر فعل to be وجود نداشت، از فعل کمکی do یا does استفاده می‌کنیم.)

مثال: می‌خواهیم جمله خبری زیر را با توجه به عبارتی که زیر آن خط کشیده شده تبدیل به سوال کنیم:

Mahsa is traveling to Gorgan.

ابتدا کلمه پرسشی where (کجا) را می‌نویسیم، سپس پاسخ آن یعنی to Gorgan را حذف می‌کنیم.

Where ?

Mahsa is traveling ~~to Gorgan~~.

حالا باقیمانده جمله را به صورت سوالی می‌نویسیم. چون در جمله فعل (is) to be وجود دارد، آن را اول جمله و بعد از

Where is Mahsa traveling?

کلمه پرسشی می‌نویسیم.

تمرین: حالا شما این دو جمله را با توجه به عبارتی که زیر آن خط کشیده شده تبدیل به سوال کنید.

1) They play football every day.

2) He hires a taxi because it is cheap.

1) ?

2) ?

✓ **یادآوری:** حواستان باشد اگر در جمله، فعل کمکی do یا does وجود داشته باشد، فعل اصلی به صورت ساده می‌آید.

✓ **توجه:** اگر فاعل را مورد سوال قرار دهیم، هرگز از do یا does استفاده نمی‌کنیم و بعد از کلمه پرسشی، باقیمانده جمله

را بدون تغییر می‌نویسیم: Example: The firefighter puts out fire. → Who puts out fire?

Exercise: The teacher helps children. : ?

قیدهای تکرار: قیدهای تکرار، تعداد دفعات انجام یک کار را نشان می‌دهند:

always	usually	often	sometimes	never
همیشه	معمولا	اغلب	گاهی اوقات	هرگز

توجه: قیدهای تکرار بعد از فعل to be یا قبل از فعل اصلی می‌آیند.

Example: He is never late.

They often play outside.

Exercise: We watch television. (never) →

رسانه

ago	قبل، پیش	interview	مصاحبه کردن
amazing	شگفت انگیز	IT	فناوری اطلاعات
antivirus	آنتی ویروس	last	گذشته، قبلی
attend	حضور یافتن	later	بعدا
beautiful	زیبا	look	نگاه کردن
blog	وبلاگ	match	مسابقه
busy	مشغول	media	رسانه
call	تماس گرفتن	message	پیام
change	تغییر دادن	movie	فیلم
channel	کانال	newsstand	دکه روزنامه فروشی
cinema	سینما	online	آنلاین
connect	متصل شدن	participate	شرکت کردن
course	دوره آموزشی	program	برنامه
dictionary	فرهنگ لغت	quiz show	مسابقه تلویزیونی
different	متفاوت	receive	دریافت کردن
download	دانلود کردن	report	گزارش
event	رویداد	see	دیدن
fantastic	رویایی	text	پیامک کردن
happen	اتفاق افتادن	war	جنگی
install	نصب کردن	wonderful	شگفت انگیز
interesting	جالب	yesterday	دیروز

عبارات PHOTO DICTIONARY

attend a TV program

change the TV channels

connect to the internet

download something from the internet

install a computer dictionary

install an antivirus program

interview somebody

look at the newsstand

participate in an online course

receive an e-mail

see a war movie

text a message

update a blog

use IT

watch a quiz show

Lesson 5

Simple past tense (1)

زمان گذشته ساده (۱)

Grammar

زمان گذشته ساده، کاری است که در گذشته انجام شده و به پایان رسیده است.

جملات خبری		
فاعل	فعل اصلی	ادامه جمله
I You He She It We They	watched	TV.

در زمان گذشته ساده، دو نوع فعل وجود دارد:

(۱) با قاعده (مربوط به این درس) (۲) بی قاعده (مربوط به درس ۶)

❖ نکته ۱: در فعل های باقاعده، به آخر فعل اصلی (ed) اضافه

Example: He worked very hard. می کنیم.

Exercise: The students very hard. (work)

✓ نکته املائی: اگر آخر فعل اصلی حرف (e) باشد، به آخر فعل

فقط (d) اضافه می کنیم. close → closed

bake: make:

✓ نکته املائی ۲: اگر آخر فعل اصلی، حرف y باشد و قبل از آن حروف صدادار (a, e, i, o, u) نباشد، حرف y را به i

تبدیل می کنیم و سپس (ed) اضافه می کنیم. study → studied play: try:

❖ نکته ۲: یکی از مهم ترین نشانه های جمله زمان گذشته ساده، قید زمان گذشته است که معمولاً در آخر جمله

yesterday	last ago
دیروز گذشته پیش

می آیند. برخی از قیدهای زمان گذشته عبارتند از:

Example: "You played football last week." "They played football 2 weeks ago."

❖ نکته ۳: برای سوالی کردن جمله گذشته ساده، به اول جمله فقط Did اضافه می کنیم و ed را از آخر فعل حذف

Example: He opened the door yesterday. → Did he open the door yesterday? می کنیم.

Exercise: They watched fireworks last year. :

✓ توجه: برای سوالی کردن با کلمات پرسشی (what, when, where, who, why, how) مثل درس قبل عمل

می کنیم؛ فقط به جای do یا does از did استفاده می کنیم. حواستان باشد، بعد از did، فعل اصلی به صورت ساده (یعنی

بدون ed) به کار می رود. Example: She downloaded the book. → What did she download?

Exercise: Amir listened to the poem in the bedroom. :

❖ نکته ۴: برای منفی کردن جمله گذشته ساده قبل از فعل اصلی did not = didn't اضافه می کنیم و ed را از آخر

فعل حذف می کنیم. Example: My father washed his car. → My father didn't wash his car.

Exercise: Zahra updated her blog. :

گذشته فعل to be: گذشته افعال to be به شکل روبرو است: am, is → was - are → were

You are angry. : You were angry.

She is nervous. : she was nervous.

• برای منفی کردن این جمله ها، کافیت بعد از was / were فقط قید منفی not را اضافه کنیم.

شکل مخفف was و were با قید منفی به شکل روبرو است: wasn't / weren't

There was a book on the table. → There was not (= wasn't) a book on the table.

کانال تلگرامی نهم | @NOHOMIYY

E. Mohammadi

سلامتی و آسیب دیدگی‌ها

accident	تصادف	heart attack	حمله قلبی
advice	توصیه	hit	برخورد کردن
again	دوباره	hurry up	عجله کردن
ankle	قوزک پا	hurt	صدمه دیدن
back	پشت، کمر	injury	آسیب، صدمه
bleed	خونریزی کردن	invite	دعوت کردن
break	شکستن	knee	زانو
bruise	کبودی	lake	دریاچه
burn	سوختن، سوزاندن	leg	پا
cast	گچ	little	کوچک
climb	بالا رفتن	need	نیاز داشتن
cry	گریه کردن	plan	برنامه‌ریزی کردن
cut	بریدن	plaster	چسب زخم
drive	رانندگی کردن	put	قرار دادن
eat	خوردن	scar	جای زخم
fall	افتادن	stick	چسباندن
find	پیدا کردن	take care of	مراقبت کردن از
finger	انگشت	trip	سفر
first aid	کمک‌های اولیه	twist	پیچ خوردن
head	سر	wound	زخم
health	سلامتی	yard	حیات

PHOTO DICTIONARY جملات

He broke his leg.

It hurts a lot.

He had a car crash.

It is bleeding.

He has a black eye.

She burned her hand.

He has a scar.

She cut her finger.

He has his leg in a cast.

She had a heart attack.

He has some bruises.

She takes care of her child.

He hit his head on the door.

Stick / put a plaster on the wound.

I hurt my knee.

Lesson 6

Simple past tense (2)

زمان گذشته ساده (۲)

Grammar

زمان گذشته ساده، کاری است که در گذشته انجام شده و به پایان رسیده است.

جملات خبری		
فاعل	فعل اصلی	ادامه جمله
I You He She It We They	spoke	English.

در زمان گذشته ساده، دو نوع فعل وجود دارد:

(۱) با قاعده (مربوط به درس ۵) (۲) بی قاعده (مربوط به این درس)

❖ نکته ۱: فعل های بی قاعده در زمان گذشته (ed)

نمی گیرند و شکل آنها تغییر می کند (البته بعضی از آنها بدون تغییر می مانند). لیست این فعل ها در آخر کتاب درسی (صفحات ۱۳۱ تا ۱۳۳) آمده است که باید آنها را حفظ کنید. چند نمونه از این افعال:

حال	گذشته
speak	spoke
go	went
cut	cut

❖ نکته ۲: برای سوالی کردن این جمله ها، به اول جمله Did اضافه می کنیم و شکل ساده فعل را می نویسیم.

Example: She sent an e-mail. → Did she send an e-mail?

Exercise: Ali broke his leg. :

✓ توجه: برای سوالی کردن با کلمات پرسشی مثل قبل عمل می کنیم؛ حواستان باشد، بعد از did، فعل اصلی به صورت ساده

Example: They ate the cake. → What did they eat?

به کار می رود.

Exercise: My sister wrote a letter yesterday. :

❖ نکته ۳: برای منفی کردن جمله گذشته ساده، قبل از فعل اصلی did not = didn't اضافه می کنیم و شکل ساده

Example: I saw a movie at home. → I didn't see a movie at home. فعل را می نویسیم.

Exercise: My father taught English last year. :

ضمیرهای مفعولی: ضمیرهای فاعلی قبل از فعل می آیند ولی ضمیرهای مفعولی، بعد از فعل می آیند.

ضمیر فاعلی		فعل	ضمیر مفعولی	
من	I		me	به من، مرا
تو / شما	You		you	به تو / شما، تو / شما را
او (مذکر)	He		him	به او، او را
او (مونث)	She		her	به او، او را
آن	It		it	به آن، آن را
ما	We		us	به ما، ما را
آنها	They		them	به آنها، آنها را

Example: She helped me. او مرا کمک کرد.

We saw them. ما آنها را دیدیم.

E. Mohammadi

لغات مهم پایه نهم *Key Words of Prospect 3 (9th Grade)*

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
accident	تصادف	bruise	کبودی
account	حساب	burn	سوختن، سوزاندن
actually	در واقع، در حقیقت	business	حرفه - تجارت
advice	نصیحت - پند	busy	مشغول - گرفتار
again	دوباره	buy	خریدن
ago	پیش، قبل	by	به وسیله - با
airport	فرودگاه	bye	خداحافظ
also	همچنین	call	نامیدن - صدا زدن - تلفن کردن
always	همیشه	careful	مواظب - دقیق
amazing	شگفت انگیز	careless	بی دقت
angry	عصبانی	celebrate	جشن گرفتن
ankle	قوزک پا	ceremony	جشن
anniversary	سالگرد	chalk	گچ
anthem	سرود - ترانه	change	تغییر دادن - عوض کردن
antivirus	ویروس کش	channel	کانال - شبکه
anyone	هر کسی	charity	خیریه
around	دور ویر - اطراف	cheap	ارزان
ask for	درخواست کردن برای	check in	ثبت نام کردن - نام نویسی کردن
at first	در ابتدا	check out	تسویه حساب کردن
attend	شرکت کردن در - رفتن به	children	بچه ها
baggage	چمدان - وسایل سفر	clean	تمیز کردن - تمیز
back	پشت	clear	پاک کردن - شفاف
bake	پختن	clever	باهوش
beautiful	زیبا	climb	بالا رفتن
because	زیرا	clothes	لباس
before	قبل - قبل از - قبل از اینکه	color	رنگ - رنگ آمیزی کردن
best	بهترین	connect	متصل شدن
big	بزرگ	come	آمدن
bleed	خونریزی کردن	comedy	کمدی - طنز
board	سوار شدن	commemorate	گرامی داشتن
brave	شجاع	company	شرکت، کارخانه
break	شکستن - زنگ تفریح	cookie	شیرینی، بیسکویت، کلوچه
brilliant	خارق العاده - محشر	corner	گوشه
bring	آوردن	could	توانستن (شکل گذشته فعل can)

لغات مهم پایه نهم *Key Words of Prospect 3 (9th Grade)*

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
course	دوره - کلاس	fill out	پر کردن
crash	تصادف	find	پیدا کردن
cruel	ظالم - ستمگر	finger	انگشت
cry	گریه کردن - جیغ کشیدن	fire	آتش - اخراج کردن
culture	فرهنگ	firefighter	آتش نشان
cut	بریدن، قطع کردن	firework	آتش بازی
dictionary	فرهنگ لغت	first aids	کمکهای اولیه
different	متفاوت	flower	گل
dinner	شام	florist	گل فروش
dish	ظرف - غذا	fruit	میوه
do homework	تکلیف انجام دادن	fun	تفریح - سرگرمی
donate blood	اهدا کردن خون	forget	فراموش کردن
don't worry	نگران نباش	French	فرانسوی
do voluntary work	کار داوطلبانه انجام دادن	friendly	دوستانه - صمیمی
drive	راندن - رانندگی کردن	from	از - اهل
easy	آسان	funny	بامزه، خنده دار، مضحک
eat	خوردن	gas station	پمپ بنزین
egg	تخم مرغ	generous	بخشنده، سخاوتمند
emergency	اضطراری، اورژانسی	Germany	آلمان
enjoy	لذت بردن	get	به دست آوردن - گرفتن
envelope	پاکت نامه	get off	پیاده شدن
environment	محیط زیست	get on	سوار شدن
e-ticket	بلیط الکترونیکی	get out	بیرون آوردن
every	هر	gift	کادو - هدیه
everybody	هر کسی	give	دادن
event	رویداد، حادثه	go out	بیرون رفتن
excellent	عالی، محشر	grandparents	پدربزرگ و مادر بزرگ
excuse me	ببخشید - شرمنده	guess	حدس زدن
express train	قطار سریع السیر	guest	مهمان
fall	افتادن، سقوط کردن - پاییز	guide book	کتاب راهنما
fantastic	شگفت انگیز	hair	موی سر
fast	سریع - روزه، روزه گرفتن	happen	اتفاق افتادن
festival	جشنواره - مراسم	happy	خوشحال

لغات مهم پایه نهم Key Words of Prospect 3 (9th Grade)

Words	Persian Meanings	Words	Persian Meanings
hard	سخت - سفت	just	فقط - تنها
hard - working	سخت کوش	just a moment	فقط یک لحظه
has	داشتن - خوردن	keep	نگه داشتن - نگه داری کردن
have	داشتن - خوردن	keep clean	تمیز نگه داشتن
head	سر	keep on	ادامه دادن
health	سلامتی	key	کلید
heart attack	حمله قلبی - سکته قلبی	kid	بچه
help charity	به امور خیریه کمک کردن	kind	مهربان - نوع
helpful	یاری رسان - مفید	knee	زانو
here you are.	بفرمایید	lake	دریاچه
hire	کرایه کردن	land	زمین، سرزمین - خشکی
hit	زدن - برخورد کردن به	last	آخرین - گذشته
hold	نگه داشتن - برگزار کردن	late	دیر، دیر کردن - تاخیر
holiday	تعطیلی	later	بعداً
homework	تکلیف	learn	یادگرفتن
hope	امیدوار بودن - امید	leave	ترک کردن - گذاشتن - جا گذاشتن
house	خانه	leg	پا
housewife	زن خانه دار	letter	نامه - حرف
housework	کار منزل	life	زندگی
hurry up!	عجله کن	live	زنده - زندگی کردن
hurt	صدمه دیدن - آسیب رساندن	lock	قفل - قفل کردن
I'd like	من مایلم - دوست دارم	look after	مراقبت کردن
if	اگر - اگر	look at	نگاه کردن به
important	مهم	look for	گشتن به دنبال
information	اطلاعات	look up	بالا نگاه کردن به
injury	زخم، جراحت	lost	گمشده
install	نصب کردن	love	عشق ورزیدن
interested in	علاقمند به	luck	شانس - پخت
interesting	جالب - جذاب	lunch	نهار
international	بین المللی	mail box	جعبه پستی
interview	مصاحبه کردن	make	ساختن، درست کردن - مجبور کردن
invite	دعوت کردن	map	نقشه
I see.	می فهمم - پس که اینطور	match	وصل کردن - مسابقه - کبریت
job	شغل	meal	وعده غذایی

لغات مهم پایه نهم *Key Words of Prospect 3 (9th Grade)*

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
media	رسانه	stand	ایستادن
member	عضو	stick	چسپیدن - چسپاندن
message	پیام	sure	مطمئن
military	ارتشی - نظامی - جنگی	suitable	مناسب
money	پول	take	گرفتن - بردن
nature	طبیعت	take care of	مراقبت کردن از
neat	تمیز	take off	کندن - لحظه برخاستن هواپیما
nervous	عصبی - مضطرب	take out	بیرون بردن - بیرون کشیدن
never	هرگز	talkative	پر حرف
normally	عادی - معمولی	text	کانال تلگرامی نهم @NOHOMIYY
often	اغلب	That's nice!	آن خوبه!
on shifts	نوبتی - شیفتی	the same	یکسان - مشابه
pack	وسایل سفر را بستن	things	اشیاء - وسایل - چیزها
participate	شرکت کردن، حضور یافتن	think	فکر کردن
patient	بیمار - صبور	those	آنها
pay toll	پرداخت عوارض	ticket	بلیط - برگ جریمه
plaster	چسب	timetable	برنامه زمانی - جدول زمانی
pleasant	خوشایند - مطلوب	together	با هم
possible	ممکن - احتمالی	too	همچنین - بیش از حد
prayer	عبادت - نماز	tourist	گردشگر - توریست
receptionist	متصدی پذیرش	travel	سفر - مسافرت
relative	قوم و خویش	trip	سفر - مسافرت
religious	مذهبی	upset	غمگین - ناراحت
selfish	خودخواه - مغرور	us	به ما - ما را
serious	جدی - عیوس	use	استفاده کردن
shy	خجالتی	usually	معمولا
sing	آواز خواندن	voyage	سفر
sir	قربان - آقا	wake up	بیدار شدن
soldier	سرباز	war	جنگ
somebody	شخصی - کسی	weather	آب و هوا
something	چیزی	weigh	وزن کردن - وزن داشتن
sometimes	بعضی اوقات	wish	آرزو کردن
special	مخصوص - سفارشی	wound	زخم
stamp	مهر - تمپر - مهر زدن	well done!	آفرین
start	شروع کردن	wheel	چرخ

Other Key Words of Prospects سایر لغات مهم پایه هفتم تا نهم

Words	Persian Meanings	Words	Persian Meanings
welcome	خوش آمد گویی	fill	پر کردن
start	شروع کردن	circle	دایره - دور چیزی دایره کشیدن
ambulance	آمبولانس	wife	همسر - زن
alphabet	حروف الفبا	mechanic	مکانیک
number	شماره - عدد	mantle	رو پوش - عبا - ردا
each other	همدیگر	yard	حیاط
lesson	درس	yesterday	دیروز
get	به دست آوردن	check	بررسی کردن
tell	گفتن	delete	حذف کردن
morning	صبح	letter	نامه - حرف
welcome	خوش آمد گویی	song	آهنگ - ترانه
conversation	مکالمه	objects	اشیاء
with	با - همراه	then	اتگاه - سپس - بعد
how	چطور - چگونه	afternoon	بعد از ظهر
example	مثال	yourself	خودت
practice	تمرین - تمرین کردن	sound	صدا - به نظر رسیدن
item	فقره - بخش - آیت	below	زیر - پائین
height	ارتفاع - بلندی	any	هیچ - هیچی - هر
pants	شلوار (پارچه ای)	breakfast	صبحانه
pardon	بخشید؟ - بخشیدن	personality	شخصیت
understand	فهمیدن - درک کردن	any	هیچ - هیچی - هر
mime	تقلید - نمایش بدون حرف زدن	sharpener	مداد تراش
before	قبل - قبل از - قبل از اینکه	cheese	پنیر
polite	مؤدب	rode	گستاخ، پر رو